

جنبش کارگری در سال ۹۶، ویژگی‌ها و ارزیابی

سال جدید و اعتلای نوین

نشانه‌های عمیق‌تر شدن بحران سیاسی جامعه ایران از حوادث نخستین روزهای بهار سال جدید پیداست. هنوز چند روزی از سال جدید نگذشته که کارگران مبارز و قهرمان مجتمع نیشکر هفته تپه برای تحقق مطالبات خود به راهپیمایی و تظاهرات روی آورده‌اند. سرمایه‌داران برای مقابله با اعتراضات، به تهدید تعطیل کارخانه متوسل شده‌اند، کارگران را به دادگاه فراخواندند و بازداشت کردند، اما مبارزه ادامه دارد. مردم عرب خوزستان به‌ویژه در اهواز، ماهشهر، آبادان و خرمشهر در اعتراض به سیاست شونیستی طبقه حاکم، چندین روز تجمع و تظاهرات برپا کردند. پلیس به سرکوب و بازداشت معترضین روی آورد، اما این وحشیگری نتوانسته مانعی بر ادامه مبارزه باشد. طبقه سرمایه‌دار حاکم و نمایندگان و سخنگویان آن هرگونه چشم‌اندازی را برای نجات از بحران موجود از دست داده و نگران فرارویدن مبارزات کنونی به انقلاب اند. از همین روست که موج فرار سرمایه‌ها آغاز شده است. بر طبق اعتراف مقامات دولتی از اواخر سال گذشته تاکنون لاقلاً ۳۰ میلیارد دلار ارز از کشور خارج شده است. ساعت به ساعت بهای ارزهای بین‌المللی افزایش و ارزش ریال در حال کاهش یافتن است. مستثنا از این‌که نقش کابینه روحانی در این افزایش نرخ ارز برای جبران ورشکستگی مالی رژیم در چه حد است، بخش بزرگی از این افزایش نرخ ارز به‌ویژه مرتبط با تبدیل یک تریلیون و ۴۵۰ هزار میلیارد تومان نقدینگی در دست سرمایه‌داران و مقامات دولتی به ارزهای بین‌المللی برای خروج از کشور است. در همین حال بخشی از سپرده‌های سرمایه‌داران و ثروتمندان از بانک‌ها و دیگر مراکز مالی بیرون کشیده می‌شود و از ترس بی‌ثباتی اوضاع سیاسی و کاهش ارزش ریال، تبدیل به ارزهای معتبر و طلا و خرید خانه و زمین، در دست دارندگان آن در داخل گنج می‌شوند که این نیز به‌نوبه خود بحران را عمیق‌تر و بهای ارزها، طلا و اجاره‌ها را

در صفحه ۲

اقتصاد ایران در سالی که گذشت

در صفحه ۱۰

جنبش کارگری در سال ۹۶ وارد مراحل اعتلا یافته‌تری شد. همراه با رشد و گسترش اعتصابات و اعتراضات کارگری، طبقه حاکم نیز با وحشیگری بیشتری به اعمال قهر و سرکوب علیه کارگران پرداخت. احضار و بازداشت، محاکمه، زندان و اخراج کارگران پیشرو و فعالان اعتصاب که چندین سال است به شیوه مرسوم طبقه سرمایه‌دار حاکم و دولت این طبقه تبدیل شده، در سال ۹۶ نیز ادامه یافت و تشدید گردید. صدها کارگر به جرم سازماندهی اعتصاب و اعتراض و یا شرکت در آن و به‌خاطر مبارزه برای احقاق حقوق خویش مورد پیگرد و تعقیب دستگاه قضایی و امنیتی قرار گرفتند.

این اقدامات سرکوب‌گرانه‌ی عریان که از همان نخستین روزهای فروردین با بازداشت ۶ کارگر

در صفحه ۳

سال ۹۶، سال خشم و اعتراض

در نخستین روزهای بهار ۱۳۹۷ قرار داریم. بهاری که با نگاهی به رویدادهای سال پیشین، نویدبخش امید است.

سال پیش با "انتخابات" ریاست جمهوری در پایان اردیبهشت ماه آغاز گشت. چشم‌اندازی با آگاهی از ماهیت روحانی، و تجربه‌ی عملکرد ۴ ساله‌ی وی. با وجود این، باید اذعان داشت که گذشته از تقلب‌ها و رأی‌سازی‌های مرسوم رژیم در به اصطلاح انتخاباتش، تعداد رأی‌دهندگان بار دیگر نشان از تداوم نفوذ تاکتیکی‌های جناح موسوم به اصلاح‌طلب در میان اقشار و گروه‌هایی از جامعه داشت. جامعه‌ای که با تمامی تضادها و بحران‌های حاکم بر آن، هنوز دچار بی‌تفاوتی سیاسی بود و عرصه سیاسی را به "قانون‌گرایان" واگذاشته بود.

در صفحه ۵

سیاست خارجی جمهوری اسلامی، تنش‌ها و پیامدهای آن

سال ۹۶ برای هیات حاکمه ایران، سالی دشوار همراه با گسترش بحران، تضاد و ناآرامی در جمیع جهات بود. ناآرامی و تنش‌های موجود، نه فقط در عرصه داخلی که در عرصه سیاست خارجی نیز با حدت و شدت بیشتری نسبت به گذشته بازتاب یافتند. پس از توافق هسته‌ای موسوم به "برجام" که در ژوئیه ۲۰۱۵ (تابستان ۹۴) میان ایران و کشورهای ۱+۵ صورت گرفت، برای آمریکا و دیگر کشورهای طرف نزاع با جمهوری اسلامی این انتظار بوجود آمد تا شاهد تغییر رفتار در سیاست خارجی هیات حاکمه ایران باشند. جمهوری اسلامی اما، نه تنها به این انتظار آنان وقعی نگذاشت، بلکه با گذشت

در صفحه ۷

خلاصه‌ای از اطلاعاتی‌های سازمان

در صفحه ۹

زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

سال جدید و اعتلایی نوین

افزایش می‌دهد. بر طبق گفته رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس ارتجاع، ۲۰ میلیارد دلار ارز نیز خارج از شبکه بانکی نگهداری می‌شود. پیامد فوری این افزایش نرخ ارز و کاهش ارزش ریال بر شرایط زندگی کارگران و زحمتکشان بر کسی پوشیده نیست. افزایش بهای کالاهای موردنیاز روزمره توده‌های زحمتکش، افزایش اجاره‌ها، افزایش نرخ تورم از هم‌کنون شرایط زندگی را بر عموم توده‌های مردم دشوارتر ساخته است. بر طبق گزارش بانک مرکزی، متوسط قیمت هر متر خانه در تهران به حدود پنج میلیون و ۲۴۰ هزار تومان رسیده است. که در مقایسه با دی‌ماه سال قبل ۱۶.۷ درصد افزایش نشان می‌دهد.

بنابراین، آشکار است که در سال جدید نرخ تورم شدیداً افزایش خواهد یافت، سطح زندگی کارگران و زحمتکشان تنزل بیشتری خواهد یافت و فقر ابعاد گسترده‌تری به خود خواهد گرفت. اما همین فاکت نیز برای سرمایه‌ها و جهش بهای ارزهای بین‌المللی نیز به تنهایی کافی است که نشان دهد در سال جاری رکود نیز عمیق‌تر خواهد شد، نتهتها اشتغال جدیدی برای نیرویی که جدیداً وارد بازار کار می‌شود، وجود نخواهد داشت، بلکه گروه دیگری از کارگران شاغل به صفوف بیکاران می‌پیوندند.

سیاست‌های اقتصادی تا کنونی جمهوری اسلامی همگی به شکست انجامیده و رژیم در سال جاری نیز هیچ راه‌حلی حتی برای تعدیل بحران ندارد. عمیق‌تر شدن بحران اقتصادی، عواقب اجتماعی بازهم وخیم‌تری برای توده‌های مردم در پی خواهد داشت و بحران‌های اجتماعی متعددی را که این رژیم در طول حیات خود به بار آورده است، تشدید خواهد کرد. بنابراین طبیعی است که با عمیق‌تر شدن بحران رکود-تورمی و اثرات ویرانگر آن بر زندگی توده‌های مردم ایران، تضاد طبقه کارگر و عموم زحمتکشان بانظم موجود تشدید شود و مبارزات طبقه کارگر، بازنشستگان، معلمان و توده‌های بیکار، تهیدست و فقیر گسترش یابد و اعتلایی نوینی یابد.

رژیم البته همان‌گونه که تجربه تاکنون نشان داده است، در سال جدید نیز تلاش خواهد کرد با تشدید سرکوب و اختناق به مقابله با موج اعتراضات و مبارزات برخیزد. اما در شرایطی که توده‌های زحمتکش در وخیم‌ترین شرایط مادی و معیشتی به سر می‌برند، هیچ چشم‌اندازی به بهبود اوضاع در چهارچوب نظم موجود ندارند، کارد به استخوان رسیده و توده مردم، دیگر هیچ ترس و هراسی از سرکوب ندارند، موجب تعرض گسترده‌تر و رادیکال‌تر شدن جنبش خواهد شد. تداوم مبارزات کارگران و زحمتکشان پس از سرکوب جنبش دی‌ماه، آشکارا این واقعیت را نشان داده است.

جمهوری اسلامی بنا به خصالت مذهبی و سرشت ارتجاعی طبقاتی خود، به‌عنوان یک رژیم استبدادی پاسدار نظم سرمایه‌داری، جز لگدمال کردن ابتدایی‌ترین حقوق و آزادی‌های مردم ایران وظیفه دیگری نداشته و نخواهد داشت. افشاری از مردم ایران به‌ویژه قشر

خرده‌بورژوازی مدرن که عمدتاً خواستش محدود به آزادی‌های فردی و سیاسی است، تا همین اواخر سال گذشته هنوز امیدش به تحقق این مطالبات از طریق وعده‌های گروه‌های ارتجاعی اصلاح‌طلبان دولتی بود. این افشار، به‌ویژه در جریان خیمه‌شب‌بازی‌های انتخاباتی رژیم نیروی فعال فراخواندن مردم به حمایت از جمهوری اسلامی، زیرپوشش اصلاحات بودند و با شکل دادن به یک توازن سیاسی به نفع رژیم، یکی از موانع سرنگونی رژیم محسوب می‌شدند. اما سرانجام امید آن‌ها نیز به یاس تبدیل شد. برای آن‌ها نیز روشن شد که حتی تحقق مطالبات آن‌ها در جمهوری اسلامی ممکن نیست و لااقل افشاری از آن‌ها از رژیم روی برتافتند. این خود باعث برهم خوردن توازن قوا به زیان رژیم شده و از این بابت نیز جبهه انقلاب در سال جاری تقویت خواهد شد. رشد و اعتلای مبارزات کارگران و زحمتکشان در سال جاری محرک دیگری برای رشد و اعتلای مبارزات زنان و دانشجویان خواهد شد. بنابراین طیف بسیار وسیع‌تری از توده‌های مردم به مقابله و مبارزه با جمهوری اسلامی روی خواهند آورد.

با تشدید تضاد توده‌های وسیع مردم ایران با رژیم ستمگر جمهوری اسلامی، عمیق‌تر شدن بحران‌های متعدد رژیم و اعتلای مبارزات علنی و مستقیم که سرنگونی رژیم را هدف قرار داده است، تضادهای درونی طبقه حاکم به‌ویژه از دی‌ماه سال گذشته به شکل کم‌سابقه‌ای تشدید شده است. جناح‌های هیئت حاکمه هر یک سیاست‌های جناح دیگری را باعث نارضایتی گسترده توده‌ای و شکل‌گیری بحران سیاسی معرفی می‌کنند. از آنجائی که رژیم هیچ سیاست و برنامه‌ای برای مقابله با این بحران‌ها ندارد، با اعتلای بیشتر مبارزات در سال جاری، تضادهای هیئت حاکمه ای که نمایندگی فراقسویون‌های مختلف بورژوازی را بر عهده دارد، بازهم تشدید خواهد شد و شکاف در درون طبقه حاکم عمیق‌تر خواهد شد. این عمیق‌تر شدن شکاف، قدرت رژیم را تحلیل می‌برد و امکانات آن را برای مقابله با توده‌ها کاهش خواهد داد.

جمهوری اسلامی فقط در عرصه داخلی نیست که با بحران‌ها و معضلات لاینحل مواجه است. در عرصه خارجی نیز وضعیت رژیم در سال جاری وخیم‌تر خواهد شد. سیاست‌های ترامپ در قبال جمهوری اسلامی قطعاً تنش‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی را افزایش می‌دهد. بنابراین هزینه‌های سنگینی را به مردم ایران تحمیل

خواهد کرد. در عین حال، تحریم‌های اقتصادی دولت آمریکا به ناگزیر بر مناسبات اقتصادی اتحادیه اروپا و برخی کشورهای منطقه با جمهوری اسلامی تأثیر خواهد گذاشت و معضلات اقتصادی و مالی رژیم را تشدید خواهد کرد. بنابراین در سال جاری، رژیم از جهات مختلف داخلی و خارجی در وضعیت وخیمی قرار خواهد گرفت و در نتیجه، تأثیر خود را بر رشد و اعتلای مبارزات کارگران و زحمتکشان برای سرنگونی رژیم بر جای خواهد گذاشت.

تمام دلایل و شواهد اقتصادی و سیاسی، داخلی و خارجی نشان می‌دهند که در سال کنونی شرایط عینی بیش از همیشه برای سرنگونی رژیم فراهم می‌شود و بحران سیاسی عمیق‌تر خواهد شد. در همین حال، همان‌گونه که مبارزات کارگران و زحمتکشان و شعارهای آن‌ها، به‌ویژه در دی‌ماه نشان داد، به لحاظ ذهنی نیز آمادگی کارگران و زحمتکشان به سرنگونی رژیم افزایش خواهد یافت. تا همین لحظه نیز بخش وسیعی از توده‌های مردم به‌ضرورت سرنگونی رژیم برای تحقق مطالبات خود، پی برده‌اند. آنچه باقی است، پیوستن عمومی توده‌های کارگر و زحمتکش به این مبارزه برای سرنگونی است. چرخش در مبارزه طبقه کارگر در این مورد تعیین‌کننده است. بی‌تردید طبقه کارگر بیشترین مبارزات را در ایران داشته و دارد. تردیدی نیست که مبارزات گردان‌هایی از طبقه کارگر مضمونی آشکارا انقلابی برای سرنگونی نظم موجود دارد و تردیدی نیست که نیروی اصلی جنبش دی‌ماه را توده‌های کارگران و زحمتکش تشکیل می‌دادند. اما این هنوز به این معنا نیست که کارگران ایران در کلیت خود به نبرد برای سرنگونی رژیم برخاسته‌اند. تا وقتی که این تحول رخ ندهد، اعتلای کنونی جنبش به انقلاب منجر نخواهد شد. چراکه در ایران به‌جز طبقه کارگر نه هیچ طبقه‌ای توان و قدرت مقابله با رژیم و سرنگونی نظم موجود را دارد و نه رسالت به فرجام رساندن انقلاب و تحقق مطالبات توده‌های مردم. اما نه‌فقط شرایط روی‌آوری این طبقه به مبارزه‌های علنی و مستقیم برای سرنگونی رژیم فراهم است، بلکه در صفوف طبقه کارگر یک قشر پیشرو و آگاه شکل‌گرفته است که به منافع خودآگاهی دارد و در شرایطی که طبقه کارگر آمادگی برای نبرد قطعی را پیدا کند، هدایت و رهبری این مبارزه را در دست خواهد گرفت. تحولات سال جاری شرایط را بیش‌ازپیش فراهم می‌کند که این امکان به واقعیت تبدیل گردد. اما آنچه قطعیت آن از هم‌اکنون روشن است، سالی سرشار از مبارزات طبقاتی و اعتلای بیشتر این مبارزات در پیش است.

**رژیم جمهوری اسلامی را باید با یک
اعتصاب عمومی سیاسی و
قیام مسلحانه برانداخت**

جنبش کارگری در سال ۹۶، ویژگی‌ها و ارزیابی

پالایشگاه نفت کرمانشاه آغاز شد تا آخرین روزهای سال ۹۶ و بازداشت و بازجویی مکرر کارگران هفت تپه و فعالان سندیکای آن‌ها بی‌وقفه ادامه داشت. بازداشت ۱۰ کارگر گروه ملی فولاد، احضار ۲۰ کارگر هپکو، ۴ کارگر کارخانه سیمان مسجدسلیمان (کارون)، اخراج ۷ کارگر قند یاسوج، ۱۱ کارگر مخابرات لرستان، ۲ کارگر کنتورسازی، ۱۵ کارگر فولاد خوزستان، ۱۴ کارگر خودروسازی مدیران خودرو و ده‌ها کارگر پیشرو دیگر در رینگسازی، پتروشیمی، معدن، مخابرات و سایر کارخانه‌ها و موسسات تولیدی و خدماتی، تنها نمونه‌هایی از اقدامات سرکوب‌گرانه طبقه سرمایه‌دار حاکم علیه طبقه کارگر است. تنها در هفت‌تپه بیش از ۷۰ کارگر احضار و بازداشت و یا زندانی شدند و شمار زیادی از اعضای سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه و هیات مدیره آن، بارها بازداشت شده و مورد بازجویی و تهدید قرار گرفتند. در برخی دیگر از شرکت‌ها و کارخانه‌ها مانند شرکت برق منطقه‌ای مازندران و آجر آهکی پلدختر، مدیریت یا حراست، کتبا کارگران پیشرو را مورد تهدید قرار دادند که در صورت اعتصاب و پیگیری مطالبات کارگران "منفصل از خدمت" (اخراج) خواهند شد.

سال ۹۶ اما طبقه حاکم و رژیم سیاسی سرکوبگر پاسدار منافع آن، علاوه بر کاربست شیوه‌های مرسوم سرکوب و استفاده از دستگاه امنیتی و قضایی و احضار، بازداشت، محاکمه و زندان و علاوه بر پرونده‌سازی‌ها و محاکمات مکرر فعالان کارگری و سندیکایی و صدور احکام جدید زندان و تشدید فشار بر کارگران زندانی، در موارد متعددی به ضرب و شتم کارگران پرداخت و اعتصاب و اعتراض مسالمت‌آمیز کارگران را با قهر و خشونت عریان و حتا شلیک گاز اشک‌آور به صورت کارگران پاسخ داد.

سال ۹۶ شیوه‌ها و دامنه سرکوب کارگران حتا از این هم فراتر رفت. سرمایه به قصد مرعوب ساختن نیروی کار معترض، با سازماندهی ارادل و اوباش جبرمخوار خود در باندهای سیاه نقابدار مسلح به سلاح‌های گرم و سرد، به سوءقصد علیه فعالان سندیکایی و کارگران پیشرو متوسل شد و در صدد ایجاد رعب و هراس در میان کارگران به‌ویژه کارگران آگاه و پیشرو و تشکل‌های کارگری برآمد تا کارگران پیشرو و تشکل‌های کارگری را یا به سکوت و بی‌تفاوتی وادار کند و یا آن‌ها را از میدان مبارزه خارج سازد.

تشدید سرکوب کارگران در سال ۹۶، تنها جزیی از سیاست‌های کلی‌تر طبقه حاکم در قبال جنبش طبقاتی کارگران بود. سیاست‌هایی که می‌بایستی با برنامه بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول مطابقت می‌داشت. از این رو اجرای سیاست‌های اقتصادی نئولیبرال که ناظر بر تشدید استثمار و بی‌حقوقی کارگران است، ادامه یافت. خصوصی‌سازی، بیکارسازی، قراردادهای موقت و سفید امضا، کارهای روزمزد و پیمانی، بازپس‌گیری دستاوردهای طبقه کارگر، محرومیت از بیمه و تامین اجتماعی، تصویب

قوانین جدید علیه کارگران، وخامت ایمنی محیط کار و بی‌توجهی به جان و سلامت کارگران و امثال آن تشدید گردید. در همین رابطه طرح کاج (کارورزی و اشتغال جوانان) که نسخه دیگر طرح استاد شاگردی دوران احمدی‌نژاد بود و در واقع طرح بیگاری کشیدن از دانش‌آموختگان دانشگاهی و تامین نیروی کار مجانی برای سرمایه‌دار است، به مرحله اجرا گذاشته شد. نایمینی محیط کار نیز صدها حادثه دلخراش آفرید که تنها یک نمونه آن، انفجار معدن ذغال‌سنگ زمستان یورت، ۴۳ قربانی بر جای گذاشت.

بهرغم تمام این فشارها، محدودیت‌ها و تعرضات پی‌درپی سرمایه علیه نیروی کار و به‌رغم اقدامات سرکوب‌گرانه و توطئه‌آمیز طبقه حاکم علیه طبقه کارگر، اما در سال ۹۶ ما نه فقط شاهد رشد و گسترش اعتصابات و اعتراضات کارگری به لحاظ کمی و کیفی، بلکه همچنین شاهد اعتلاء جنبش طبقاتی کارگران هستیم.

این واقعیت را کسی نمی‌تواند انکار کند که جنبش کارگری به چنان مرحله‌ای از رشد و پیشرفت خود رسیده است که اولاً قائم به این یا آن فرد و فعال کارگری و سندیکایی نیست. چرا که با احضار و بازداشت هر فعال اعتصاب و کارگر پیشرو، چندین کارگر دیگر آماده‌اند جای او را پر کنند. ثانیاً تجارب گذشته و نیز تجربه مبارزات کارگری در سال ۹۶ مکرر این موضوع را ثابت کرده است که با سرکوب و بازداشت و زندان نمی‌توان در برابر مبارزات و اعتراضات کارگری سد و مانعی ایجاد کرد. تداوم اعتراضات کارگری تا آخرین روزهای اسفند ۹۶ نیز گویای همین واقعیت است.

اعتراضات کارگری در سال ۹۶ نیز عمدتاً در شکل اعتصاب و تجمع و در موارد زیادی با تظاهرات و راهپیمایی همراه بود. شمار اعتراضات کارگری در سال ۹۶ به قدری زیاد است که حتا نام بردن آن‌ها نیز از حوصله و حجم این مقاله خارج است. همین‌قدر کافیست گفته شود این اعتراضات تمام بخش‌های تولیدی و خدماتی از نفت و گاز و پتروشیمی و فولاد و نوب‌آهن گرفته تا معادن و کاشی‌سازی، سیمان، سدسازی چوب و کاغذ و قند و روغن‌بناتی و نساجی و کشت‌و صنعت‌ها و تا برق و مخابرات و راه‌آهن و حمل‌ونقل بار، مترو، اتوبوس، تاکسی و آب و فاضلاب و فضای سبز و اکثر قریب به اتفاق شهرداری‌ها را دربرگرفت. حضور خانواده‌ها در تجمعات و اعتراضات خیابانی پُررنگ‌تر شد. کارگران اخراجی، جوانان بیکار و متقاضیان و جویندگان کار نیز در موارد متعددی دست به اعتراض زدند. افزون بر این‌ها کارگران بازنشسته ده‌ها واحد و کارخانه، تجمعات و راهپیمایی‌های اعتراضی متعددی را سازمان دادند. کارگران بازنشسته فولاد چند اعتراض و تجمع باشکوه سراسری برپا کردند. بازنشستگان کشوری و لشگری نیز چند تجمع سراسری برگزار نمودند. شایان ذکر است که علاوه بر کارگران رشته برق و مخابرات که مانند سال‌های قبل‌تر، در چندین نوبت تجمعات اعتراضی سراسری را سازمان دادند و

کارگران پتروشیمی و معادن ذغال‌سنگ که پیش از این دست به اعتصاب و تجمع سراسری زده بودند، سال ۹۶ ما در دو رشته دیگر نیز شاهد اعتراضات فراواحدی و سرتاسری هستیم. در صندوق بیمه کشاورزی و در شرکت حمل‌ونقل بین‌المللی خلیج فارس.

تنها در نیمه دوم سال ۹۶، صدها کارگر صندوق بیمه کشاورزی به نمایندگی از ۵۸۰۰ پرسنل این شرکت، بیش از ۴ بار از سراسر کشور به تهران رفتند و در برابر مجلس، بانک کشاورزی و سایر نهادهای حکومتی دست به تجمع زدند. همچنین صدها کارگر شرکت حمل‌ونقل خلیج‌فارس به نمایندگی از حدود ۱۳۰۰ کارگر این شرکت بیش از ۷ بار در تهران و اسلام‌شهر، در برابر دفتر مرکزی شرکت، وزارت اقتصاد و وزارت کار دست به تجمع زدند. این بدان معناست که اعتصابات و اعتراضات فراواحدی و تشکلات رشته‌ای در حال افزایش و گسترش است. افزایش اعتراضات و اعتصابات فرا واحدی، گسترش پیوند و ارتباط میان کارگران واحدهای مختلف یک رشته، تنها یکی از مختصات جنبش کارگری در سال ۹۶ است.

از دیگر ویژگی‌های جنبش کارگری در سال ۹۶ افزایش شعارها و خواست‌های سیاسی‌ست. کارگران در برخی از واحدهای تولیدی و خدماتی مانند هپکو به مبارزه مستقیم با دولت برخاستند. این کارگران ضمن افشای پیوند میان دستگاه‌های مختلف دولتی مانند پلیس و قوه قضایی و اجرایی و حمایت آن‌ها از سرمایه‌دار، دولت دینی و سیاست خارجی آن را مستقیماً زیر سوال بردند و در مخالفت با سیاست دولت در زمینه خصوصی‌سازی، مبارزات مستمر و پرشوری را سازمان دادند. دو نمونه برجسته در این زمینه که در واقع نمایان‌گر وضعیت و خواست عمومی کارگران تمام کارخانه‌ها و صنایعی‌ست که دولت آن را به بخش خصوصی واگذار نموده است، مبارزات یکپارچه، مستمر و پرشور کارگران هفت‌تپه و کارگران آگاه و شجاع هپکوست.

در هپکو این مبارزات به تغییر مالک کارخانه منجر شد و تا آن جا پیش رفت که وزیر کار را وادار ساخت به مسئولیت دولت در قبال واحدهای واگذار شده اعتراف کند. او گفت: "ما به عنوان دولت وظیفه داریم مشکلات کارگران را رفع کنیم... و نمی‌توانیم به صرف خصوصی بودن شرکت، کارگران را به حال خود رها کنیم چرا که خصوصی سازی آن‌ها توسط دولت انجام شده است".

بدیهی‌ست که کارگران واحدهای خصوصی شده می‌توانند و باید از این اعتراف وزیر کار، در مبارزات حال و آینده خود استفاده کنند. نه فقط صاحبان جدید واحدهای خصوصی‌سازی شده، بلکه دولت نیز در قبال مسائل و مشکلات عیدیه‌ای که کارگران این واحدها با آن روبرو هستند، مسئول‌اند و موظف‌اند این مشکلات را بر طرف سازند.

مبارزه کارگران علیه سیاست خصوصی‌سازی دولت اگرچه در هپکو کم‌وبیش با موفقیت‌های نسبی همراه بوده اما هنوز به نتایج لازم و مطلوب نینجامیده است. این مبارزه ادامه دارد. وضعیت در هفت‌تپه نیز عیناً به همین شکل است.

جنبش کارگری در سال ۹۶، ویژگی‌ها و ارزیابی



و همکاری میان این دو سندیکای کارگری تقویت شد. هر دوسندیکا با انتشار بیانیه مشترک حداقل مزد ۹۷ و پیشنهاد رقم ۵ میلیون تومان، نقش فعالی در سراسری کردن این خواست ایفا کردند. هر دو سندیکا همکاری‌های خود در فضای مجازی را تقویت کردند. هر دو سندیکا در اتحاد و همبستگی با کارگران معدن بورت و همدردی با بازماندگان آن‌ها، حمایت فعال از مبارزات کارگران هپکو و آذرب و فولاد و سایر کارگران، نقشی پیش‌تازانه ایفا کردند. در زلزله غرب کشور، هر دو سندیکا با صدور بیانیه و اظهار همدردی با مردم شهرهای ماتم‌زده کرمانشاه، مردم سایر مناطق کشور را به حضور و کمکرسانی مستقل فرا خواندند. دو سندیکا همچنین بیانیه مشترکی در حمایت از خیزش‌های توده‌ای دی ماه صادر کردند و اعمال خشونت علیه اعتراض‌کنندگان را محکوم ساختند. در اثر مبارزات کارگران بویژه فعالیت‌ها و مبارزات سندیکا کارگران شرکت واحد، سرانجام رضا شهبانی عضو برجسته هیات مدیره این سندیکا از زندان آزاد شد. آزادی رضا شهبانی بدون شک تأثیرات مثبت و تقویت‌کننده‌ای بر سندیکای این شرکت و فعالیت‌های آن خواهد گذاشت. سندیکای کارگران نیشکر هفتتپه نیز توانست تلاش‌های آشکار و نهانی را که علیه آن و برای تضعیف آن به‌کار افتاده بود با هوشیاری خنثا کند. سندیکا از جمله مانع خرابکاری عناصری شد که گرچه از میان کارگران برخاسته بودند، اما به صف مدیریت و صف اعتصاب‌شکنان پیوسته بودند. سندیکای کارگران هفتتپه توانست بر پاره‌ای مشکلات درونی که برایش ایجاد شد، فائق آید. سال ۹۶ نشانه‌های بسیار اولیه‌ای در جهت نزدیک‌تر شدن جنبش طبقاتی کارگران به جنبش اعتراضی توده‌ای دیده شد و گام‌های کوچک و اولیه‌ای در این راستا برداشته شد. جنبش کارگری در نقش حامی جنبش اعتراضی توده‌ای دی ماه ظاهر شد. برخی کارگران هفتتپه و بسیاری دیگر از کارگران علنا از اعتراضات تهیدستان و زحمتکشان شهری به دفاع برخاسته و علیه ارجیف امام جمعه تهران موضع‌گیری کردند. جمعی از کارگران هفتتپه، حتی پا را از این هم فراتر گذاشته فراخوان اعتراض خیابانی با شعار "نان کار آزادی" صادر کردند. کارگران کیان تأیر که در مقابل وزارت صنعت و معدن و تجارت دست به تجمع زده بودند، وقتی که در محاصره نیروهای سرکوب قرار گرفتند شعار "نترسید نترسید ما همه با هم هستیم" سردادند و

از اتحاد و همبستگی کارگری را به نمایش گذاشتند. این اتحاد و همبستگی به‌خصوص در هفتتپه که در اتحاد میان کارگران بخش صنعت و کشاورزی، کارگران شاغل و بازنشسته، کارگران دائم و روزمزد تجلی یافت، کم نظیر بود. اما اتحاد و همبستگی کارگری، در حد اتحاد و همبستگی میان کارگران هر واحد خلاصه نشد. وقتی که هپکو دست به اعتصاب و راهپیمایی زد، وقتی که کارگران هپکو و آذرب مورد یورش وحشیانه مزدبران حکومتی قرار گرفتند، کارگران هفتتپه و شرکت واحد و دیگر واحدها، از مبارزات و خواست آن‌ها حمایت کرده و همراه با سایر کارگران از سراسر کشور، یورش به صفوف کارگران هپکو و آذرب را محکوم کردند و این کارگران شرکت واحد بودند که شعار دادند، "هپکو زنده باد - آذرب پاینده باد". در حادثه تلخ انفجار معدن ذغال‌سنگ زمستان بورت نیز نمونه درخشان دیگری از اتحاد و همبستگی کارگری به نمایش گذاشته شد. علاوه بر همدردی هفتتپه و شرکت واحد و بسیاری دیگر از کارگران از سراسر کشور، کارگران سایر معادن نیز به یاری کارگران محبوس در اعماق زمین شتافتند و با خانواده جانباختگان ابراز همدردی کردند. در این رویدادها نیز نه فقط اتحاد و همبستگی شورانگیز میان کارگران تقویت شد، بلکه در عین حال روحیه اعتراضی نیز در میان کارگران ارتقا یافت. سال ۹۶ در عین حال سالی است که ما شاهد تحرك نسبتاً بالای سندیکای کارگران اتوبوسرانی تهران و حومه و سندیکای کارگران نیشکر هفتتپه هستیم. سندیکای کارگران هفتتپه در تمام مبارزات کارگران این شرکت نقشی فعال ایفا نمود. این سندیکای مبارز کارگری که محبوب تمام کارگران کشت و صنعت نیشکر هفتتپه است، توانست در سازماندهی و هدایت مبارزات کارگران که از نخستین ماه سال ۹۶ آغاز شد و تا آخرین ماه آن ادامه یافت، نقش بسیار مهم و فعالی ایفا کند و با موضع‌گیری‌ها و رهنمودهای به‌موقع خود، چراغ راه کارگران این شرکت باشد. سندیکای کارگران شرکت واحد نیز جمعاعات اعتراضی متعددی را چه برای آزادی رضا شهبانی و چه در رابطه با سایر خواست‌های کارگران سازمان داد. سازماندهی اعتراضات خیابانی برای مسکن کارگران که از آغاز سال ۹۶ شروع شد تا پایان سال جریان داشت و در ماه‌های آخر سال چند هفته به‌طور مستمر و روزانه ادامه داشت، از جمله فعالیت‌های چشمگیر سندیکا بود. سندیکای کارگران شرکت واحد که به دعوت سندیکاهای بزرگ کارگری فرانسه و در ارتباط با آن‌ها نماینده خود را به پاریس و ژنو اعزام کرد، توانست تبلیغات مفیدی را به سود کارگران و تشکل‌های کارگری ایران سازمان دهد و با ارائه گزارش‌های افشاگرانه پیرامون وضعیت کارگران، حمایت این سندیکاهای و اتحادیه‌های کارگری مشابه آن را از کارگران ایران و تشکل‌های کارگری جلب کند. نکته قابل ذکر دیگر این‌که در سال گذشته اتحاد

مبارزات کارگران هفتتپه در این زمینه نیز ادامه دارد و با شعار "نه اسدی نه بیگی - شرکت بشه دولتی" تا سال ۹۷ امتداد یافته است. نمونه دیگر مبارزه سیاسی کارگران با خواست سیاسی، مبارزات کارگران شرکت واحد برای آزادی کارگر زندانی رضا شهبانی بود. سندیکای کارگران شرکت واحد نه فقط جمعاعات اعتراضی متعددی از جمله یک تجمع سیاسی بزرگ در مقابل مجلس با خواست آزادی کارگر زندانی را سازمان داد، بلکه با فراخوان رانندگان به حرکت سمبلیک اتوبوس‌ها با سرعت پایین و چراغ روشن به نشانه اعتراض به بازداشت رضا شهبانی ویرای آزادی وی که درصد بالایی از رانندگان به آن پاسخ مثبت دادند، آکسیون موفقیت‌آمیزی را برگزار نمود. عمل کارگران شرکت واحد یک عمل سیاسی و خواست آن‌ها نیز خواست سیاسی بود. مبارزهای مستقیم و بی‌واسطه علیه دولت با خواست آزادی یک زندانی سیاسی. این خواست البته در میان بخش‌های دیگری از کارگران نیز رواج یافت. این نمونه‌ها تماماً بیانگر این واقعیت است که اولاً آگاهی سیاسی در صفوف کارگران رشد و ارتقاء یافته و ثانیاً خصلت سیاسی مبارزه طبقه کارگر در سالی که گذشت، پُررنگ‌تر شده است. از مختصات دیگر جنبش کارگری در سال ۹۶، رشد اشکال رادیکال مبارزه توأم با رشد آگاهی سیاسی در صفوف کارگران و این واقعیت است که تمایل و آمادگی کارگران برای کنترل و اداره امور کارخانه در حال افزایش است. برجسته‌ترین نمونه در این مورد، کشت و صنعت نیشکر هفتتپه است. کارگران در چندین مورد تمام بخش‌های کارخانه را قرق کردند، برق و مخابرات کارخانه را قطع کردند و با خاموش کردن کوره بخار، تمام فعالیت‌های کارخانه را متوقف کردند. کارگران همچنین برای مقابله با کارفرما که از پرداخت معوقات مزدی طفره می‌رفت، ورود و خروج وسائل حمل‌ونقل و خروج شکر را تحت کنترل خود درآوردند و با خالی کردن کامیون‌ها و تریلی‌های حامل شکر، انبار شکر را تحت کنترل خود گرفتند و مانع خروج شکر از کارخانه شدند. برخی اعضای سندیکا و نمایندگان کارگران هفتتپه در سخنرانی‌های خود، تمایل کارگران به اعمال کنترل و نظارت و اداره امور کارخانه را بیان داشتند. در یک جمله سال ۹۶، رادیکالیسم و آگاهی و گرایش به کنترل و اداره امور کارخانه در میان کارگران تقویت شد. افزون بر این در سال ۹۶ اتحاد و همبستگی خواه در میان کارگران یک واحد خواه میان کارگران واحدها و بخش‌های مختلف نیز تقویت شد. کارفرماها و حامیان دولتی آن‌ها تلاش زیادی بکار بردند که با ایجاد تفرقه و دو دستگی در میان کارگران اعتصابات کارگری را به شکست بکشاند. این تلاش‌ها بخصوص در فولاد اهواز و هپکو و هفتتپه چشمگیر بود. اما کارگران آگاه و پیشرو تلاش‌های مذبحانه سرمایه‌داران و عمال آن‌ها را خنثا کردند و نمونه‌های درخشانی

سال ۹۶، سال خشم و اعتراض

تقابل سران سه قوه گسترش یافت.

جدال‌هایی بر سر پیشبرد دو تاکتیک برای استمرار نظام دینی سرمایه‌داری جمهوری اسلامی. تاکتیکی که بقای رژیم را به سیاست پان‌اسلامیستی در منطقه گره زده است و تاکتیک دیگری که ماندگاری رژیم را در کاهش تنشج در روابط بین‌المللی، به ویژه با کشورهای منطقه و جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی می‌بیند. خامنه‌ای و جناح وی، به رغم تیرگی روابط با بسیاری از کشورهای منطقه، درگیری در جنگ سوریه و یمن، تهدیدهای نظامی برخی کشورهای منطقه و نیز صرف میلیاردها دلار در اجرای این سیاست‌ها و مخالفت گسترده توده‌های مردم با سیاست خارجی رژیم، همچنان بر اجرای سیاست خارجی هژمونی‌طلبانه خود در منطقه پای می‌فشرند. از آن سو، روحانی که با شعار رفع تحریم‌های هسته‌ای و در پی آن بهبود وضعیت اقتصادی به صندلی ریاست جمهوری تکیه زده بود، همراه با "اصلاح‌طلبان"، بر نفت ایران نیز چوب حراج زدند و قراردادهای نفتی را به سود تراست‌های بین‌المللی به دوران پادشاهان قاجار بازگرداندند. برجام نیز که قرار بود بیکاری را کاهش دهد و مایه بهبود اقتصادی شود، نتیجه‌ای در پی نداشت جز افزایش آمار بیکاران، رانده شدن خانوارهای بیش‌تری به زیر خط فقر.

گو آن که جذب سرمایه‌های خارجی، به شرط تحقق، به چند رشته از جمله نفت و پتروشیمی محدود مانده و گرهی از معضل بیکاری گسترده نمی‌گشود و نخواهد گشود. گذشته از آن، همچون سالیان پیش، مجموع درآمد نفتی به جیب سرمایه‌داران و مقامات دولتی و دستگاه‌های سرکوب و تحمیق مذهبی سرازیر می‌شد (و می‌شود) و تنها عقب‌ماندگی اقتصادی، فقر فراگیر و گرسنگی و بیکاری سهم توده‌های کارگر و زحمتکش می‌بود (و خواهد بود). چنانچه با وجود درآمدهای هنگفت نفتی در تمامی سال‌های قدرت‌گیری جمهوری اسلامی، شکاف طبقاتی سال به سال ژرف‌تر گشته است.

ناگفته پیداست که با توجه به بحران اقتصادی شدت‌یابنده، گسترش ناهنجاری‌های اجتماعی، تخریب محیط زیست، بیکاری و فقر و مرگ و میر و بیماری‌های ناشی از آن‌ها، از یک سو، و ناتوانی رژیم از پاسخ‌گویی به این معضلات حتا پیش از آغاز سال ۹۶، احتمال بروز ناآرامی‌های اجتماعی می‌رفت. از همین رو بود که خامنه‌ای در سخنرانی نوروز سال پیش به "مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم" و آسیب‌های اجتماعی که "عمدتاً منشأ اقتصادی دارند" اعتراف کرد.

از آن گذشته سران امنیتی و پلیسی رژیم از همان روزهای نخستین سال پیش درباره امکان بروز "فتنه‌ای" جدید و لزوم مقابله با آن هشدار می‌دادند. برخی از "اصلاح‌طلبان" نیز پس از "انتخابات" به گزارش‌ها درباره بی‌رونی صندوق‌های رأی در محلات کارگرتشین و تهیستان اشاره کردند.

باری، ماه‌ها اعتراضات خیابانی توده‌های زحمتکش، اعتصابات و راهپیمایی و اعتراض کارگران مؤسسات تولیدی گوناگون، رادیکالیسم رشدیابنده این مبارزات و اعتراضات، مبارزات طبقاتی حادث‌ر گشته و بروز یک بحران سیاسی

را نیز از دست دادند. از این‌رو به تجمع در برابر مؤسسات مالی و بانک مرکزی روی آوردند، گرچه جز وعده و وعید نصیب‌شان نشد. در نتیجه، روز به روز تجمعاتشان گسترده‌تر و شعارهایشان رادیکال‌تر گشت.

این تحولات در مبارزات کارگران و زحمتکشان با پایان شیفتگی بخشی از خردبوروژوازی نسبت به "اصلاح‌طلبان" همراه گشت. چرا که تشدید بحران اقتصادی و شکست سیاست‌های اقتصادی طبقه حاکم، بر شرایط مادی و معیشتی گروه‌هایی از اقشار خردبوروژوازی نیز تأثیرات منفی بر جای گذاشته بود. همچنین، شیشه توهامات بخشی از خرد بوروژوازی مدرن مبنی بر امکان دستیابی به آزادی‌هایی محدود در چارچوب جمهوری اسلامی، در دوره ۴ ساله اول ریاست جمهوری روحانی در برخورد با واقعیت سخت اصلاح‌ناپذیری رژیم خرد شد. شکست سیاست‌های "اصلاح‌طلبان" در عرصه‌های اقتصادی و سیاسی منجر به فروریزی بخشی از پایگاه اجتماعی رژیم گردید. در این میان، گروهی به صف مخالفان پیوستند و گروه دیگری به جریان منفعل طرفدار رژیم تبدیل شدند.

همه‌نگامی این دو، یعنی تحول در روحیه مبارزاتی کارگران و زحمتکشان و تلاشی توهم بخشی از پایگاه اجتماعی رژیم، موجب گردید توازن قوای طبقاتی و سیاسی جامعه که تا آن زمان به زیان جنبش انقلابی بود، درهم ریزد.

یکی دیگر از بسترهای زمینه‌ساز اوج‌گیری و گسترش مبارزات کارگران و توده‌ها، تعمیق و تشدید تضادهای جناح‌های حاکم بود. از پیش از نمایش انتخاباتی تا دوران مناظرات، عرصه‌های نبود که از افشاکاری کاندیداهای طیف‌های رنگارنگ حاکمیت و هواداران آنان علیه یکدیگر در امان بماند. از سخنرانی و انتشار گزارشات متعدد درباره فقر گسترده و فراگیر در دوران اول ریاست جمهوری روحانی گرفته تا افشاکاری‌های امنیتی، فساد نهادینه، رو کردن پرونده‌های رانت‌خواری، اختلاس و چپاول علیه یکدیگر. مشاجرات کاندیداها تا جایی بالا گرفت که یکی از کاندیداها نظام را به "۹۶ درصد محروم" و "۴۱ درصد زالوصفت" تقسیم کرد.

روحانی نیز، رئیسی، کاندیدای مطلوب خامنه‌ای را فردی خواند که در "طول ۳۸ سال فقط زندان و اعدام بلد" بوده است و یکی از "اصلاح‌طلبان"، به او لقب "آیت‌الله قتل‌عام" را عطا نمود. و این همه به رغم هشدار خامنه‌ای مبنی بر عدم تحریک "گسل‌ها"ی اجتماعی و تهدید به "سبلی سخت" به کسانی که "خلاف امنیت کشور" حرکت می‌کنند.

این کشاکش‌ها پس از پایان "انتخابات" نیز نه تنها ادامه یافتند بلکه روز به روز بالا گرفتند. چنانچه خامنه‌ای در خرداد، روحانی را با بنی‌صدر مقایسه کرد و نیروهای وابسته به او در روز حکومتی قدس شعار دادند: "روحانی - بنی‌صدر پیوندتان مبارک". روحانی نیز به سپاه پاسداران تحت نظر خامنه‌ای حمله کرد و آن را "دولت با تفنگ" خواند. نزاعی که دامنه آن به

"قانون‌گرایی"، دستور کار جناح موسوم به اصلاح‌طلب بود که از بدو ظهورش در سپهر سیاسی، توهم تحقق مطالبات از طریق توسل به نهادها و رامکارهای قانونی را می‌پراکند. این جناح با تکیه بر پایگاه اجتماعی خود سالیان مدید در برابر جنبش انقلابی، یک آرایش طبقاتی پدید آورده بود که از موانع بزرگ بر سر راه عمل سیاسی مستقل و انقلابی توده‌ها بود. با آن که طی این سالیان به جز رگه‌های ضعیف و پراکنده چپ در میان جنبش‌های اجتماعی، تنها نیروی پایدار در برابر آنان طبقه کارگر بود که همچنان به مبارزات صنفی و روزمره خود ادامه می‌داد، اما مبارزات این طبقه هنوز به آن سطح ارتقا نیافته بود که با اقدام سیاسی مستقل خود این آرایش را بر هم زند و بر رکود و انفعال سیاسی غلبه کند.

با وجود این، از آخرین ماه‌های سال ۹۵ و اوایل سال ۹۶ اولین نشانه‌های دوران گذار از رکود و بی‌تفاوتی سیاسی در مبارزات و اعتراضات کارگران و زحمتکشان بارز گردید. طی این ماه‌ها نه تنها مبارزات کارگران از رشد و اعتلای کم‌سابقه‌ای برخوردار بود، بلکه در مواردی کارگران از طرح مطالبات روزمره و اقتصادی فراتر رفتند و به طرح شعارهای مستقیم سیاسی پرداختند. یکی از نمونه‌های بارز، مبارزات کارگران هپکو در دی و بهمن سال ۹۵ بود که ۳۰ روز ادامه یافت. کارگران هپکو، در اعتراض به دستمزدهای معوقه و دیگر مطالبات خود و نیز اعتراض به خصوصی‌سازی، به اشکال مختلفی از مبارزه، اعتصاب، اشغال کارخانه، راهپیمایی، تظاهرات، تجمعات اعتراضی، برپایی چادر در خیابان‌ها روی آوردند. مبارزات آنان تا جایی پیش رفت که با طرح شعارهایی چون "زیر بار ستم نمی‌کنیم زندگی، جان فدا می‌کنیم در ره آزادی"، "یه اختلاس کم بشه مشکل ما حل می‌شه"، شکل سیاسی آشکار و مستقیم به خود گرفت.

از دیگر نشانه‌ها، توسل معلمان و بازنشستگان به اعتصاب و تجمع و طرح مطالبات همراه با شعارها و خواسته‌های سیاسی بود. مانند قطعنامه گروه‌هایی اعتراضی بازنشستگان در اسفند ۹۵ با خواسته‌های "آزادی زندانی سیاسی"، "حق تشکل" و شعارهایی چون "معلم، کارگر، پرستار، بازنشسته، اتحاد اتحاد". مبارزاتی که ادامه یافتند و موجودیت خود به عنوان یک جنبش را حفظ کردند. تغییرات در سایر عرصه‌های مبارزاتی توده‌ها نظیر اعتراضات محیط‌زیستی نیز مشهود بود.

در این میان، گروه دیگری نیز به اعتراض‌های خیابانی پیوستند و آن، مال‌باختگان مؤسسات اعتباری و مالی بودند. آنان، که بسیاری‌شان سپرده‌گذاران کوچک بودند، به اعتبار چهره‌ها و ارگان‌های جمهوری اسلامی و به امید دریافت سودی برای زدن به زخم زندگی اقدام به سپرده‌گذاری در مؤسسات اعتباری و مالی دارای مجوز از بانک مرکزی کرده بودند، اما با انحلال و ورشکستگی این مؤسسات نه تنها سودی دریافت نکردند، بلکه اندک پس‌انداز خود

سال ۹۶، سال خشم و اعتراض

عینیت می‌یافت. در این فضای آکنده از خشم و انزجار توده‌های به جان آمده بود که جرقه‌های این خرمن را به آتش کشید. در روزهای اولیه دی ماه در پی ستوه مردم از گرانی، فریاد "مرگ بر گرانی" در خیابان‌های مشهد طنین افکند. از آنجایی که در جامعه‌ای استبدادزده، خواسته‌های اقتصادی پیوند ناگسستنی با خواسته‌های سیاسی دارند، تلاش برای دستیابی به هر خواسته‌ای به مقابله با تمامیت رژیم ارتجاعی می‌انجامد. پس، شعار بلاواسطه بعدی، "مرگ بر روحانی" بود. این اعتراض خودجوش در مشهد با سرعتی باورناکردنی به سراسر ایران گسترش یافت. در صد شهر و شهرستان، تهدیدستان به خیابان‌ها آمدند. اعتراضات‌شان از مطالبات اقتصادی گذشت و به "مرگ بر" سران رژیم و حتا "مرگ بر خامنه‌ای" ارتقا یافت. ویژگی دیگر جنبش، گذار توده‌ها از "مبارزه قانونی" و دنباله‌روی از اصلاح‌طلبان بود که در این شعار تبلور یافت: "اصلاح‌طلب، اصول‌گرا، دیگه نمومه ماجرا".

آنان با این شعار اعلام کردند که دیگر نه به دنباله‌روی از "اصلاح‌طلبان" و با توهم به "قانون‌گرایی" بلکه با مطالبات واقعی خود و به اتکای نیروی خود به میدان مبارزه گام گذاشته‌اند. پیوند میان مبارزه‌ی اقتصادی، معیشتی و سیاسی و قشرهای درگیر در اعتراضات را می‌توان در شعاری که مهر خود را بر این جنبش زد، بازشناخت؛ یعنی شعار "کار، نان، آزادی".

سران رژیم سرآسیمه خواستار سرکوب "اعتشاش‌گران" و "ساختارشکنان" شدند. "اصلاح‌طلبان" که تا پیش از این، آرای "انتخابات" ریاست جمهوری در اردیبهشت ماه را به رخ جناح مقابل و مخالفان رژیم می‌کشیدند، بی‌ابروتر و بلندتر از جناح مقابل شدند. نیروهای سرکوب رژیم به معترضان پورش بردند. اعتراضات، اشکال تعرضی به خود گرفت. در شهرهای مختلف به مراکز دولتی، نظامی و بانک‌ها و همچنین مساجد و خانه‌های آخوندها به عنوان نمادهای قدرت سیاسی، اقتصادی و مذهبی حمله شد. عکس‌ها، بنرها و حتا پرچم جمهوری اسلامی پایین آورده شده و به آتش کشیده شدند. در پورش‌های وحشیانه نیروهای سرکوب، دست کم ۳۰ نفر کشته شدند و بیش از ۵ هزار نفر دستگیر شدند.

سرانجام اعتراضات سراسری هم به علت سرکوب، هم به علت خصلت خودجوش خود فروکش کردند. اما اعتراضات در مقیاس‌های کوچک‌تر و در عرصه‌های دیگر ادامه یافتند. یکی از این عرصه‌ها، مبارزه زنان با حجاب اجباری بود که به "دختران خیابان انقلاب" شهره گشتند. اعتراض زنان به حجاب اجباری که چند هفته پس از قیام بهمن آغاز شده بود، پس از سرکوب‌های وحشیانه در همان اوایل دهه شصت به مقاومت بدل گشته بود. اما با اعتراضات سراسری، زنان یک بار دیگر فعالانه در خیابان‌ها به مبارزه‌ای علنی با نقض حق خود در انتخاب آزادانه پوشش دست یازیدند و در این مبارزه همگانی و سراسری جایگاه شایسته‌ای را

از آن خود کردند. بیش از ۳۰ نفر دستگیر شدند. در هفته‌های بعد، مال‌باختگان هم‌چنان به تجمعات خود ادامه دادند. بازنشستگان به خیابان‌ها بازگشتند. یکی از گرایش‌های درویش به نام دروایش گنابادی، به اعتراض علیه دستگیری و تهدید قطب برآمدند و در شبی خونین، بیش از ۵۰۰ از آنان دستگیر شدند. دگردیسی مبارزات تا پیش از این محدود و مسالمت‌آمیز به مبارزاتی گسترده‌تر و رادیکال‌تر، یکی از تأثیرات اعتراضات سراسری دی ماه بود. تأثیر دیگر آن، تعمیق شکاف و کشاکش در میان جناح‌های هیئت حاکمه بود. به گونه‌ای که بسیاری ژست "اپوزیسیون" به خود گرفته و انگشت اتهام را به سوی دیگری نشانه رفتند.

پس از اعتراضات سراسری، در ماه‌های گذشته روزی بدون چندین اعتراض و اعتصاب کارگری نگذشت. به جز اعتراضات گوشه و کنار کشور، اعتصاب و راهپیمایی‌های کارگران گروه ملی صنعتی فولاد ایران، اعتصاب کارگران نیشکر هفت‌تپه صنایع فولاد و اعتراضات کارگران شرکت واحد از اعتراضات برجسته بودند. ابتکار آنان در طرح شعارهای ساختارشکنانه با استفاده از گفتمان متناقض سران رژیم بی‌نظیر بود؛ شعارهایی همچون "مرگ بر کارگر، درود بر ستمگر"، "حقوق به ما نمی‌دن، مرگ بر آمریکا".

حتا کشاورزان نیز به میانه میدان مبارزه آمده‌اند و در خیابان‌های اصفهان راهپیمایی چند هزار نفره کردند. آنان در حرکتی رادیکال، در نماز جمعه، به امام جمعه پشت کردند و شعار دادند: "پشت به دشمن، رو به میهن". ناگفته پیداست با توجه به رویدادهای سال گذشته، سال پیش رو آستان حوادث تازه‌ای است. زیرا اعتراضات سال گذشته، علل عینی مشخص داشتند و آن همانا وخامت وضعیت معیشتی و مادی، معضلات اجتماعی و دیکتاتوری سیاسی است و انباشت مطالبات توده‌ها بود که نه تنها طی ۴۰ سال گذشته پاسخی نیافته‌اند، بلکه روز به روز متراکم‌تر گشته‌اند. رژیم نیز در این مدت ثابت کرده است نه تنها راهکاری برای کاهش این معضلات ندارد، بلکه سال به سال بر آن‌ها می‌افزاید و با ایجاد مشکلات دیگری نظیر تخریب محیط زیست و کم‌آبی ناشی از سوء مدیریت زندگی را بر توده‌ها دشوارتر می‌کند.

روشن است که این وضعیت نمی‌تواند دوام آورد. از این‌رو، همگان اذعان دارند این مبارزه، اولین موج جنبشی بوده است که در راه است. رجوع به انقلاب ۵۷ نیز دلالت بر همین موضوع دارد. انقلاب سال ۵۷، برآمد اعتراضات پراکنده و محدود سال ۵۶ بود. در این تجربه شاهد بودیم که پیشروی و عقب‌نشینی جنبش، موج‌وار بود و فروتنستن هر موجی، موجی بلندتر و قدرتمند را به دنبال داشت.

این چشم‌انداز سران رژیم و کارشناسان بورژوازی را واداشته در صدد چاره‌جویی برآیند. از طرز وایر واداشته گرفته تا بررسی امکان قدرتیابی کنش‌گران دیگر عرصه سیاسی در صورت ناگزیری تن دادن به سرنگونی رژیم.

جنبش کارگری در سال ۹۶، ویژگی‌ها و ارزیابی

بدین ترتیب شعارها و اعتراضات کارگری را با شعارها و اعتراضات خیابانی توده‌ای پیوند زدند. اما موضوع بسیار مهم دیگری که در سال ۹۶ در جنبش کارگری رخ داد و مثل توپ صدا کرد، حضور زنان کارگر در عرصه مبارزه علنی بود. در هفت‌تپه علاوه بر حضور همسران کارگران مرد و سایر اعضای خانواده‌ها در اعتراضات خیابانی، کارگران زن نیز در تجمعات و اعتصابات هفت‌تپه نقش فعال‌تری ایفا کردند. وقتی که یک کارگر زن بالای سکویی ظاهر شد که اسماعیل بخشی نماینده کارگران از همان سکو، با کارگران سخن می‌گفت، وقتی که این کارگر زن با سخنان خود ۵۰۰ کارگر حاضر در محل را به ادامه مبارزه تا پیروزی ترغیب و تشویق می‌کرد، او در واقع با این کار خود، فرا رسیدن مرحله پیشرفته‌تری از جنبش کارگری را نوید می‌داد. مرحله‌ای که کارگران مستقل از جنسیت‌شان دست در دست هم و به‌عنوان یک طبقه، به مصاف طبقه سرمایه‌دار برمی‌خیزند.

سخن آخر این‌که جنبش طبقاتی کارگران، صرف نظر از نقص و کمبودهایش که بحث دیگری را می‌طلبد، در سال ۹۶ گام‌های بسیار مهمی به پیش برداشت و وارد مرحله اعتلا یافته‌تری شد. تمام مختصات و ویژگی‌هایی که فوقا به آن اشاره شد، این را تایید می‌کند. با این اندوخته و با این سابقه، شکی نیست که سال ۹۷، جنبش بالنده طبقه کارگر رشد و اعتلا بیشتری خواهد یافت.

آنان غافلند که مبارزات و رادیکالیسم رشدیابنده کارگران طی سال‌های اخیر، زمینه‌ساز اعتراضات سراسری دی ماه بود. مبارزاتی که خود زمینه‌ساز اعتراضات اجتماعی بعدی شد و در همین چرخه است که مبارزات رادیکال‌تر کارگران پس از دی ماه، بستر مناسب اعتراضات بعدی را فراهم خواهد ساخت. همچنین از درک این نکته عاجزند که در فاصله این ۴۰ سال، هم صف‌بندی‌های طبقاتی، امروزه نسبت به سال ۵۷ مرزهای شفاف و روشنی به خود گرفته‌اند و هم آگاهی طبقاتی طبقه کارگر کنونی با کارگران سال ۵۷ فرسنگ‌ها فاصله دارد. این بار، اگر دوران انقلابی فرا رسد و شوراهای کارگران و زحمتکشان از دل انقلاب، بار دیگر هستی بیابند، نیرویی نمی‌تواند آن‌ها را در هم شکند. این شوراها خواهند رفت تا جمهوری اسلامی را برویند و نظام سرمایه‌داری را به همراه آن.

سال ۹۶ برای رژیم، گرچه با کشاندن بسیاری از توده‌های مردم به پای صندوق‌های رأی آغاز شد، اما با هشتمگ "براندازم" و شعار "کار، نان، آزادی" به پایان رسید. اگر بتوان سال ۹۶ را سال خشم و اعتراض دانست، بهار ۹۷، نویدبخش امید است.

سیاست خارجی جمهوری اسلامی، تنش‌ها و پیامدهای آن

اندک زمانی پس از توافق "برجام"، به مداخلات و اقدامات نظامی خود در کشورهای بحران زده منطقه شدت بخشید. سیاست تهاجمی جمهوری اسلامی، که در بازه زمانی مذاکرات هسته‌ای و حتی در ماه‌های اولیه پس از توافق "برجام" اندکی تعدیل یافته بود، از اواسط سال ۹۵ دوباره شدت گرفت و در سال ۹۶ با تشدید تحرکات نظامی و اقدامات توسعه طلبانه در سوریه، یمن و عراق ابعاد وسیعتری به خود گرفت.

ارسال بیشتر تجهیزات نظامی و اعزام جوانان افغانی و پاکستانی در قالب گردان‌های زینبیه و فاطمیون به سوریه نخستین جلوه‌های این سیاست تهاجمی بود. سیاستی که با سازماندهی بسیج شبه نظامیان شیعه جیش الشعبی در عراق و ارسال موشک‌های دوربرد به حوثی‌های یمن شکل آشکارتری به خود گرفت. پیشبرد این سیاست، با تأسیس یک پایگاه دائم نظامی در سوریه و همچنین ارسال و تأمین هواپیماهای شناسایی بدون سرنشین (پهپاد) برای بشار اسد، شدت بیشتری یافت. این حجم از مداخلات نظامی و اقدامات توسعه طلبانه جمهوری اسلامی در سطح منطقه، جملگی بیانگر تهاجمی‌تر شدن سیاست خارجی ایران در سال گذشته بوده است. سیاستی که حاصل آن برای کارگران و توده‌های زحمتکش ایران، ویرانی، فقر، فلاکت و خالی‌تر شدن روز افزون سفره‌هاشان، بوده است.

اقدامات تجاوزکارانه و مداخله‌گرانه جمهوری اسلامی که طی سال گذشته شدت بیشتری یافت، امری نیست که صرفاً به سال‌های اخیر محدود شده باشد. پیشبرد این سیاست خارجی ویرانگر، که تماماً ریشه در استراتژی توسعه طلبانه و پان اسلامیتی هیات حاکمه ایران دارد، از همان آغاز شکل‌گیری جمهوری اسلامی، تحت پوشش صدور انقلاب توسط خمینی کلید خود و تا به امروز نیز بی‌وقفه ادامه یافته است. اجرای این سیاست توسعه طلبانه که منابع مالی آن تماماً از دسترنج کارگران و توده‌های زحمتکش ایران تأمین می‌شود، تاکنون هزینه‌های بسیار گزافی را برای توده‌های زحمتکش جامعه ما رقم زده است. با وجود اینکه پیشبرد این سیاست ارتجاعی و توسعه طلبانه برای توده‌های مردم ایران بجز فقر و گرسنگی و تهی‌تر شدن سفره‌شان چیز دیگری به همراه نداشته است، با این همه، از آنجا که جمهوری اسلامی بنیان‌های حکومتی و موجودیت ایدئولوژیک خود را به این سیاست پان اسلامیتی گره زده است، هیات حاکمه ایران باز هم با صرف هزینه‌های میلیاردی در این عرصه گام بر می‌دارد و فقر و فلاکت بیشتری را به کارگران و زحمتکشان ایران تحمیل می‌کند.

این سیاست تاکنونی جمهوری اسلامی، علاوه بر گسترش جنگ و ناامنی در منطقه و فقر و فلاکتی که بر توده‌ها تحمیل کرده است، خود هیات حاکمه ایران را نیز با چالش‌های مداوم و تشدید بحران با آمریکا، اتحادیه اروپا و کشورهای منطقه خصوصاً عربستان مواجه کرده است.

انجام آزمایش‌های پی‌در پی موشک‌های دوربرد بالستیک، در نقاط مختلف کشور و نیز تأمین و ارسال موشک‌های دوربرد برای حوثی‌های یمن و پرتاب چندین باره موشک به خاک عربستان توسط حوثی‌های یمن که بر اساس نظریه کارشناسان سازمان ملل، دولت ایران تأمین‌کننده این موشک

هست، از جمله مهمترین اقدامات چالش برانگیز جمهوری اسلامی طی سال گذشته بوده است. پوشیده نیست که، مسئله اقدامات توسعه طلبانه جمهوری اسلامی در سوریه و دیگر کشورهای منطقه، فقط یک چالش برون مرزی برای هیات حاکمه ایران نیست. پیشبرد این سیاست، اکنون فراتر از یک تقابل خارجی، به چالشی داخلی و رو به رشد میان توده‌های تهیدست مردم ایران علیه جمهوری اسلامی تبدیل شده است. وقتی هرساله میلیاردها دلار حاصل دسترنج کارگران و زحمتکشان ایران که باید صرف امکانات آموزشی، رفاهی، بهداشتی، درمان، افزایش دستمزد و بهبود شرایط معیشتی آنان گردد، عموماً در سوریه، یمن و عراق به تاراج می‌رود، توده‌های مردم ایران باید نسبت به این وضعیت معترض باشند، که صد البته معترض هم هستند. کارگران و زحمتکشان ایران، اکنون در جمعاعات و راهپیمایی‌های اعتراضی خود با سردادن شعار "سوریه را رها کن، فکری به حال ماکن" خواهان پایان دادن به وضعیت موجود اند.

جمهوری اسلامی که انتظار داشت با توافق هسته‌ای "برجام" راه ورود سرمایه‌گذاری‌های خارجی به ایران هموارگردد، نه تنها به این مهم دست نیافت، بلکه اکنون با خطر از هم پاشیدن این توافق هم مواجه است. دونالد ترامپ، پس از سه نوبت تأیید اجرای "برجام"، اکنون اعلام کرده است که در نوبت بعد آن را تأیید نخواهد کرد. رئیس‌جمهور آمریکا، با تأکید بر اصلاح بندهایی از توافق هسته‌ای از جمله بند مربوط به وضعیت موشک‌های بالستیک ایران، اصرار دارد که اگر اصلاحات مورد نظر او در "برجام" صورت نگیرد، آمریکا از توافق هسته‌ای خارج خواهد شد.

زمان دور بعدی تأیید "برجام" توسط دولت آمریکا، ۲۲ اردیبهشت است. اتحادیه اروپا با هدف تشویق و تضمین دونالد ترامپ برای ماندن در "برجام"، پیشاپیش خواهان وضع تحریم‌های جدیدی علیه جمهوری اسلامی شده است. فرانسه، بریتانیا و آلمان با توجه به "برنامه موشکی بالستیک ایران و نقش این کشور در جنگ سوریه" پیش از رسیدن موعد فوق، پیشنهاد وضع تحریم‌های جدید علیه هیات حاکمه ایران را داده اند. پیشنهادی که قرار است در نشست ماه آینده وزیران امور خارجه اتحادیه اروپا نهایی شود.

پیش از این نیز، دولت آمریکا تحریم‌های جدیدی را در ارتباط با مسئله نقض حقوق بشر و نقض قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت در مورد فعالیت موشک‌های بالستیک جمهوری اسلامی علیه افراد حقیقی و حقوقی از جمله سپاه قس و فرماندهان سپاه پاسداران وضع کرده بود. همه این تحریم‌های تاکنونی در وضعیتی صورت گرفته اند که هنوز توافق "برجام" به قوت خود باقی است و آمریکا نیز دست کم تا این لحظه بدان پایبند مانده است، تا چه رسد به روزی که آمریکا از توافق "برجام" خارج و این توافق از هم گسیخته شود. جمهوری اسلامی، با وجود توافق "برجام" و به رغم اینکه با افزایش فروش نفت قادر شد بخش بزرگی از هزینه‌های سیستم بوروکراتیک دولتی را تأمین و ارگان‌های امنیتی و نظامی خود را پرورتر کند، اما همچنان با تشدید بحران‌های سیاسی، اجتماعی و یک سیستم اقتصادی کاملاً فروپاشیده مواجه است. مسلم است که با خروج آمریکا از توافق "برجام" و از هم

گسیختن این توافق، شرایط برای هیات حاکمه ایران باز هم دشوارتر خواهد شد.

تغییر و تحولات یک ماهه اخیر در درون کابینه دونالد ترامپ، از جمله برکناری "رکس تیلسون"، وزیر امور خارجه آمریکا و انتخاب "مایک پمپئو"، رئیس سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سی‌ای‌ای) به جای او و همچنین انتخاب "جان بولتون"، سفیر سابق آمریکا در سازمان ملل در پست مشاور امنیت ملی کاخ سفید، که هر دو از مخالفان سرسخت توافق هسته‌ای با ایران هستند، به اندازه کافی گویای وضعیت پر ابهام توافق "برجام" در ماه آینده است. شرایطی که با خروج دولت ترامپ از توافق هسته‌ای و نیز موضع سرسختانه عربستان سعودی و اتحادیه اروپا در پی تکرار موشک‌پرانی‌های حوثی‌های یمن به شهرهای عربستان، شرایطی که در عرصه داخلی و چه در عرصه بین‌المللی مسلماً برای جمهوری اسلامی بسیار سخت‌تر از وضعیت کنونی خواهد شد.

پوشیده نیست، پیشبرد سیاست توسعه طلبانه و پان اسلامیتی جمهوری اسلامی طی چهار دهه گذشته، امری نبوده که پیامدهای ویرانگر آن صرفاً در محدوده تحریم‌ها و تنش‌های بین‌المللی باقی مانده باشد. همانگونه که سازمان ما، به کرات در نشریه کار و دیگر ارگان‌های تبلیغاتی خود تأکید کرده است، پیشبرد این سیاست ارتجاعی ریشه در استراتژی توسعه طلبانه و پان اسلامیتی جمهوری اسلامی دارد و طبیعتاً تا زمانی که این رژیم استمرار داشته باشد، پایانی بر آن نخواهد بود. ما، همواره در نشریه کار تکرار کرده ایم، اثرات مخرب این سیاست، قبل از هر چیز زندگی توده‌های مردم ایران را به تیاهی کشانده است. سازمان فدائیان (اقلیت) در تمامی این سال‌ها، همواره و در هر فرصتی که برایش مقدور شد با صدایی رسا اعلام کرده است، کارگران و توده‌های زحمتکش ایران نخستین کسانی هستند که بار اینگونه اقدامات توسعه طلبانه و تجاوزکارانه جمهوری اسلامی را بر دوش کشیده اند و بی‌وقفه زیر سنگینی آن له شده اند.

اکنون با گذشت زمان این واقعیت بر توده‌های مردم ایران نیز آشکار شده است. آنان به روشنی دریافته اند، تا زمانی که جمهوری اسلامی استمرار داشته باشد، پایانی بر تنش‌های موجود نخواهد بود و زندگی توده‌های مردم همواره در ناآرامی و ناامنی خواهد گذشت. کارگران و توده‌های ستمدیده ایران با خیزش انقلابی خود در دیماه ۹۶ آشکارا نشان دادند برای برون رفت از وضعیت موجود، برای رسیدن به امنیت و آسایش و پایان دادن به فقر و فلاکتی که حاکمان اسلامی طی چهار دهه بر آنان تحمیل کرده اند، راهی بجز برپایی یک انقلاب اجتماعی و سرنوینی انقلابی جمهوری اسلامی برایشان باقی نمانده است. کارگران و توده‌های زحمت کش ایران که اکنون خود به سرنوینی انقلابی جمهوری اسلامی باورمند شده اند، باید به این نکته نیز توجه کنند که راه رسیدن به آسایش و امنیت، راه حصول به صلح و آرامش، راه رسیدن به آزادی، برابری، رفاه اجتماعی و رهایی کامل از هرگونه ستم و تبعیض جنسیتی نه فقط در سرنوینی جمهوری اسلامی، بلکه در گرو استقرار حکومت شورایی کارگران و زحمتکشان و برانداختن سیستم سرمایه داری حاکم بر جامعه مقنور و ممکن می‌گردد.

اقتصاد ایران در سالی که گذشت

نویخت رئیس سازمان برنامه و بودجه در تشریح نتایج بودجه سال ۹۶ در آذرماه سال ۹۵ گفته بود: "سال ۹۶ رشد اقتصادی ۷/۷ درصدی، رشد سرمایه گذاری ۱۲/۳ درصدی، نرخ تورم ۷/۶ درصدی و رشد نقدینگی ۱۹ درصدی پیش‌بینی شده است". سعید لیلانز به اصطلاح اقتصاددانی که در چاکری نظام حاکم شهره است نیز گفته بود: "در سال ۹۶ حداقل ۵ و حداکثر ۷ درصد رشد اقتصادی خواهیم داشت"، همچنین مسعود نیلی مشاور ویژه اقتصادی حسن روحانی مدعی شده بود که "از سال ۹۶ به بعد ضمن افزایش درآمد کشور، شاهد رشد خوبی خواهیم بود که می‌تواند مساله اشتغال را حل کند".

اما در روزهای گذشته آمارهایی از سوی بانک مرکزی منتشر شد که بیانگر رشد یک درصدی اقتصاد در ۹ ماهه سال ۹۶ نسبت به ۹ ماهه سال ۹۵ بوده است (خبرگزاری فارس سوم فروردین ۹۷). همچنین تشکیل سرمایه ثابت ۱/۴ درصد رشد داشته است (همان رشد سرمایه‌گذاری که نوخت ۱۲/۳ درصد اعلام کرده بود). نرخ تورم از سوی بانک مرکزی ۹/۶ درصد اعلام شد، اما کیست که آن را باور کند، وقتی در طول یک سال بهای دلار نسبت به ریال ۳۰ درصد افزایش یافت؟! نقدینگی نیز براساس آمارهای دولتی حدود ۳۰ درصد افزایش داشته است. در یک جمله حتماً آمارهای اقتصادی دولتی با وعده‌ها و پیش‌بینی‌های مقامات دولتی و اقتصاددانان جبرخوارشان، فاصله‌های بسیار دارند.

اما در رابطه با رشد اقتصادی سه نکته مهم وجود دارد که باید به بیان آن بپردازیم. اول این‌که نفت در آمارهای مربوط به رشد اقتصادی که مقامات دولتی ارائه می‌دهند، نقش مهمی دارد، همان‌طور که رشد اقتصادی ادعایی سال ۹۵ بویژه متأثر از افزایش فروش نفت و محصولات جانبی آن بود.

دومین مساله رشد سرسام‌آور بخش خدمات در ایران است. در بخشی از کشورهای پیشرفته‌ی سرمایه‌داری رشد بخش خدمات و نیروی شاغل در آن نسبت به صنایع و کشاورزی به دلیل انتقال کارخانه‌ها و صنایع از این کشورها به کشورهای بی‌بست که نیروی کار در آن ارزان است. طبیعی‌ست که در این شرایط از عدد مطلق نیروی کار در بخش صنایع و حتی کشاورزی (با توجه به افزایش نقش ماشین‌های کشاورزی و غیره) در این کشورها کاسته شود. اما در ایران کاهش مطلق شاغلین در بخش کشاورزی و افزایش مداوم سهم بخش خدمات در تولید ناخالص و تعداد شاغلین نتیجه‌ی تضادهای سیستم حاکم است که بوروکراسی و شاغلین در بخش‌های نظامی را به مرز انفجار رسانده و هم سوداگری و دلالی را تقویت کرده است. هم اکنون بیش از ۵۰ درصد نیروی شاغل در ایران در بخش خدمات هستند. هم چنین سهم خدمات در تولید ناخالص داخلی به تنهایی برابر با دیگر بخش‌های اقتصاد است. بزرگی بخش خدمات در ایران در واقع نتیجه‌ی بیماری ساختاری نظام سرمایه‌داری در ایران است که به‌نوبه‌ی خود بر تداوم بحران اقتصادی اثرگذار می‌باشد.

اما سومین نکته این است که رشد اقتصادی زمانی که تاثیری در بیکاری و کاهش فقر نداشته باشد اساساً بی‌معناست، نه فقط برای کارگران و زحمتکشان که نصیبی از آن نمی‌برند، بلکه اساساً در رابطه با مفهوم و شکل کلاسیک بحران اقتصادی در جوامع سرمایه‌داری و گذار به دوره‌ی رونق اقتصادی. گذار از بحران اقتصادی به تجدید فعالیت اقتصادی و سپس رونق اقتصادی با کاهش بیکاری و فقر معنا می‌یابد که در دوره‌ی بحران به اوج خود می‌رسد. تنها در این صورت است که با افزایش نیروی شاغل، قدرت خرید مردم و سطح رفاه (که گاه با افزایش خدمات عمومی دولت همراه است)، رونق اقتصادی در جوامع سرمایه‌داری معنا می‌یابد. و این چیزی‌ست که در ایران وجود ندارد.

اگر جمهوری اسلامی مدعی‌ست در سال ۹۵ بیش از ۱۲ درصد رشد اقتصادی داشته، پس چرا این رشد اقتصادی تاثیری در کاهش بیکاری، فقر و افزایش خدمات عمومی دولت به همراه نداشته است؟! چرا آزادسازی ده‌ها میلیارد دلار پول نفت پس از رفع تحریم‌ها نتوانست تاثیری در بهتر شدن وضعیت معیشتی مردم تأثیر داشته باشد؟!

دلیل آن روشن است. دولت سرمایه‌داری حاکم با اتخاذ سیاست‌های نئولیبرالی تنها به شکاف طبقاتی دامن زده و در نهایت تمام دلارهایی که با فروش نفت حاصل شده، از طریق دولت و با ابزار "بودجه" در جریان چرخش پول به جیب گروه کوچکی از سرمایه‌داران سرازیر شده است.

اگر مصباحی مقدم عضو مجمع تشخیص مصلحت در گفتگوی تلویزیونی می‌گوید هم اکنون ۲ درصد خانوارهای کشور مالک ۸۰ درصد سپرده‌های بانکی هستند، نتیجه‌ی همین برنامه‌های اقتصادی دولت جمهوری اسلامی است. این به آن معناست که تنها سپرده‌های بانکی ۲ درصد از خانوارهای کشور به قیمت دلار بازار حدود ۲۴۰ میلیارد دلار است!!! (به گزارش ایسنا در تاریخ ۸ مهر، حجم سپرده‌ها در بانک‌های غیردولتی ۱۳۳۲ بیلیون تومان بود که با حساب افزایش این رقم تا پایان سال و حجم نقدینگی این رقم هم اکنون باید حداقل ۱۵۰۰ بیلیون تومان باشد).

به این می‌گویند فاصله‌ی طبقاتی وحشتناک که نظیرش را جز در ایران و در زیر چکمه‌های خونین نظام اسلامی شاید در هیچ جای دنیا امروز نتوان دید. سیاست‌هایی چون کاهش واقعی دستمزدهای کارگری که می‌توان آن را به خوبی از کاهش سهم دستمزد در هزینه تولید دید، گسترش قراردادهای پیمانی و موقت و باز گذاشتن دست شرکت‌های پیمانی در استثمار و حشبنامی کارگران، حذف یارانه‌ها تحت عنوان مضحک هدفمندسازی یارانه‌ها، خصوصی‌سازی آموزش و پرورش و بهداشت و درمان با بهانه‌ی مشارکت مردم و در نهایت به صفر رسیدن خدمات رفاهی دولت، نتیجه‌اش وضعیتی‌ست که امروز همه شاهد آن هستیم.

کابینه روحانی هر سال از این که یارانه‌ی نقدی

باید می‌داد صدای‌اش بلند بود و این که یارانه نقدی بار زیادی را به بودجه تحمیل می‌کند، موضوعی که ما همواره به عنوان یک دروغ بزرگ بر آن تاکید می‌کردیم. اما امسال و در جریان تصویب بودجه روشن شد که هدفمندسازی یارانه‌ها نه تنها باری را بر دوش بودجه نیانداخته بلکه از بابت آن کلی پول نصیب دولت می‌شود. دولت در برابر پرداخت ۳۷ هزار میلیارد تومان یارانه نقدی از محل طرح هدفمندسازی یارانه‌ها، در سال ۹۶ حدود ۱۰۰ هزار میلیارد تومان درآمد داشته است!!!

در دوران جنگ دولت مجبور شد برای آرام نگه داشتن مردم، برخی از کالاهای ضروری را با قیمت پایین به دست مردم برساند. بعد از جنگ و در دوران ریاست جمهوری رفسنجانی تعداد کالاهای یارانه‌ای کمتر شد اما هنوز هزینه‌ای را برای دولت داشت. در طول سال‌ها کابینه‌های گوناگون با بهانه‌های گوناگون مدام از این هزینه‌ها به ضرر مردم کاستند، تا آن که احمدی‌نژاد آخرین لگد را به آن زد و با جعل واقعیت و بیان این که "می‌خواهیم یارانه‌ها را مساوی و به عدالت بین مردم تقسیم کنیم"، لیبرالیزه کردن قیمت آب، برق، گاز، بنزین، نان و غیره را با شتابی بالا استارت زد. نتیجه این سیاست این شد که گروه‌هایی از مردم حتماً در خرید نان نیز با مشکل روبرو شدند. براساس آمارها میزان مصرف نان در سال‌های اخیر به شدت کاهش یافته است و این در حالی‌ست که با گسترش فقر تنها چیزی که برای پُر کردن شکم‌های گرسنه مانده بود، همان نان بود.

در مورد آموزش و پرورش و درمان و غیره نیز که همه چیز عیان است. برای نمونه تنها در بودجه سال ۹۶ مقرر شده بود که دولت ۲۰ درصد از مدارس را به بخش خصوصی واگذار کند. و همه‌ی این‌ها به بهانه‌ی کاهش تصدی‌گری دولت!! و چه بهانه‌ی جالبی!!

دولت جمهوری اسلامی خود را به حماقت می‌زند!! آموزش و پرورش، درمان و بهداشت، تامین اجتماعی نه بازاری برای کسب سود، بلکه حق است. یک حق، مانند حق آموزش رایگان. حقوق هر فرد از احاد جامعه است که از چنین خدماتی برخوردار باشد و این وظیفه‌ی دولت است که این حق را تضمین و برآورده سازد!

حتا شهاب نادری نماینده "مجلس اسلامی" در جلسه علنی مجلس اعتراف می‌کند که "۸۰ درصد مردم زیر خط فقر هستند". این مردم آن وقت چگونه می‌توانند از این حقوق مسلم خود در این کشور برخوردار باشند؟! وزیر کشور روحانی از بیکاری ۶۰ درصدی در برخی از شهرهای ایران خبر می‌دهد و یحیی آل اسحاق وزیر اسبق و از اعضای اتاق بازرگانی می‌گوید: بیش از ۷۰ درصد واحدهای کوچک و متوسط تعطیل بوده یا با ظرفیت ۳۰ درصدی مشغول به کار هستند.

این وضعیت واقعی اقتصاد ایران است و اگر سران اصلی حکومت همچون خامنه‌ای و روحانی آن را انکار می‌کنند، یک چیز می‌توان از آن استنباط کرد و آن که حکومت گویی برای شنیدن خواست‌های توده‌ها ندارد و تنها راه برای کارگران و زحمتکشان سرنگونی حکومت، و به دست گرفتن قدرت سیاسی از طریق ایجاد

اقتصاد ایران در سالی که گذشت

شوراهاست.

حاصل چندین دهه حکومت اسلامی وضعیت کنونی اقتصاد است که به گفته‌ی رئیس بانک مرکزی، تمام بانک‌ها به طور واقعی ورشکسته هستند (روزنامه شهروند اردیبهشت ۹۴). سرانه تولید ناخالص داخلی براساس آمارهای دولتی به ۷۰ درصد درآمد سرانه در سال ۵۵ سقوط کرده است. بسیاری از زمین‌های کشاورزی نابود شده و مردم آواره از روستا (و یا فقرای شهری) به حاشیه شهرها پناه آورده‌اند به طوری که هم اکنون ۲۵ درصد جمعیت کشور حاشیه نشین هستند (وزیر راه و شهرسازی - خبرگزاری مهر ۱۵ تیر ۹۴).

حکومت اسلامی در طول این سال‌ها کابینه‌های متعددی با شعارهای متفاوت بر سر کار آورده اما نتیجه‌ی کار همه‌ی آن‌ها یک چیز بوده است: بدتر شدن وضعیت معیشتی مردم، افزایش بیکاری، افزایش فاصله طبقاتی و تعمیق بحران اقتصادی. برای راهی از فقر و بیکاری، برای یک آینده روشن بویژه برای کودکان و نوجوانان که از تمامی حقوق انسانی خود برخوردار باشند، تنها راه نه فقط سرنگونی جمهوری اسلامی که پایان بخشیدن به مناسبات سرمایه‌داری نیز هست. تنها راه پایان بخشیدن به مناسبات ستگرانه و استثمار و حشیانه‌ایست که منجر به چنین فاصله‌ی وحشتناک طبقاتی شده است. بدون این اقدامات اساسی هرگز کارگران و زحمتکشان به اهداف خود نخواهند رسید.

پی‌نوشت:

۱ - با حاکم شدن اقتصاد سیاسی "نئولیبرال" بویژه از دوران ریگانیم - تاچریسم در کشورهای امپریالیستی، "اقتصاد کینزی" که به منظور ایجاد تعادل در بازار و بالابردن تقاضا، دخالت دولت در اقتصاد و اتخاذ سیاست‌های رفاهی را مطرح می‌کرد، به کناری گذاشته شد. از جمله نتایج اقتصاد سیاسی "نئولیبرالی"، گسترش جنگ‌های منطقه‌ای و رقابت تسلیحاتی بوده است. اقتصاد سیاسی "نئولیبرال" اگرچه برپایه‌ی عدم دخالت دولت در اقتصاد قرار داشت و آن را توصیه می‌کرد، اما با بروز بحران اقتصادی ۲۰۰۷، دولت‌های امپریالیستی برای نجات شرکت‌ها و بانک‌های بزرگ از ورشکستگی و فروریختن اقتصاد سرمایه‌داری، به کمک شرکت‌ها و بانک‌ها شتافته و این اصل اساسی اقتصاد سیاسی "نئولیبرال" را زیر پا گذاشتند.

در حقیقت امر نیز اقتصاد جهان سرمایه‌داری به مرحله‌ای از انحطاط رسیده است که دیگر از دوران رونق اقتصادی که تا پیش از دهه‌ی ۷۰ قرن بیستم وجود داشت نمی‌توان سخن گفت. هم اکنون نیز که گروهی از اقتصاددانان جهان سرمایه‌داری از پایان بحران ۲۰۰۷ سخن می‌گویند، هیچ‌کدام از کشورهای امپریالیستی وارد دوره‌ی رونق نشده و رشد اقتصادی آن‌ها، اولاً محدود و دوماً تقریباً بدون اثرگذاری بر قدرت خرید مردم است و این را موسسات رسمی این کشورها که آمارهای اقتصادی را تحلیل و ارائه می‌دهند به آن اذعان دارند.

خلاصه ای از اطلاعاتی های سازمان

"بازداشت کارگران نیشکر هفت‌تپه را شدیداً محکوم می‌کنیم" عنوان اطلاعاتی ای است که سازمان در ۱۲ فروردین ماه ۱۳۹۷ انتشار داد. در این اطلاعاتی با استناد به گزارش سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت تپه آمده است

در چند روز گذشته نزدیک به بیست تن از کارگران به دادگاه شوش احضار شده و دادستان روز ۱۱ فروردین حکم بازداشت این کارگران را صادر کرده است.

این سرکوبگری، پاسخ رژیم و سرمایه‌داران به کارگرانی است که سه ماه دستمزد و پاداش سال ۹۶ آن‌ها پرداخت نشده و وعده تحقق مطالبات آن‌ها به بعد از عید موکول شده بود. اما این وعده نیز تحقق نیافت و کارگرانی که خود و خانواده‌هایشان با فقر کمرشکن و گرسنگی زندگی می‌کنند، به اعتراض و راهپیمایی متوسل شدند.

اکنون مدت‌هاست که کارگران نیشکر هفت‌تپه درگیر معضل به تعویق افتادن مداوم دستمزد و دیگر مطالبات خود هستند. به رغم این‌که شرکت نیشکر هفت‌تپه هر سال میلیاردها سود به جیب می‌زند، اما سؤال این است که چرا دستمزد کارگران مرتب پرداخت نمی‌شود و همواره چندین ماه به تعویق می‌افتد. پاسخ این است که سرمایه‌داران با سپردن دستمزدهای معوقه کارگران در بانک‌ها یا سرمایه‌گذاری آن در تولید، سود بیشتری عاید خود می‌کنند. سرمایه‌داران و دولت آن‌ها، کارگرانی را که به این اقدام ارتجاعی اعتراض می‌کنند، بازداشت می‌کنند و به تهدید اخراج و تعطیل کارخانه متوسل می‌شوند.

جمهوری اسلامی که به‌خوبی می‌داند سال جدید، سال مبارزات گسترده کارگران و زحمتکشان برای برانداختن این رژیم ستمگر است، در این پندار بسر می‌برد که با بازداشت و به زندان انداختن کارگران نیشکر هفت‌تپه در نخستین روزهای سال جدید و البته هم‌زمان، سرکوب و حشیانه و بازداشت مردم خوزستان که در اعتراض به سیاست شونیستی رژیم به تظاهرات روی آورده‌اند، می‌تواند با ایجاد رعب و هراس، این مبارزات را مهار کند. اما دوران این خواب‌وخیال رژیم به پایان رسیده است. کارد به استخوان رسیده و هیچ سرکوب و وحشی‌گری نمی‌تواند این مبارزات را مهار کند.

اطلاعی سپس خطاب به کارگران مبارز نیشکر هفت تپه می‌افزاید:

کارگران مبارز نیشکر هفت‌تپه!

متحد و یکپارچه دست از کار بشید و خواستار آزادی تمام کارگران بازداشت‌شده شوید. تهدید سرمایه‌داران را برای تعطیل مجتمع با عمل متقابل اشغال کارخانه و برقراری کنترل کارگری پاسخ دهید!

سازمان فدائیان(اقلیت) اقدامات سرکوبگرانه جمهوری اسلامی را علیه کارگران شرکت نیشکر هفت‌تپه شدیداً محکوم می‌کند و خواستار آزادی فوری و بی‌قیدوشرط کارگران بازداشت‌شده و پرداخت فوری تمام مطالبات کارگران نیشکر هفت‌تپه است.

"حداقل دستمزد، یک‌پنجم خط فقر" عنوان اطلاعاتی دیگری است که سازمان در تاریخ ۲۸ اسفند ماه ۱۳۹۶ انتشار داد.

اطلاعی می‌گوید:

سرانجام به روال سال‌های گذشته نمایش مضحک نمایندگان سرمایه‌داران، دولت سرمایه‌داران و عوامل سرمایه‌داران در شورای عالی کار بر سر چانه‌زنی برای افزایش اسمی دستمزد، یک روز مانده به آغاز سال جدید، به پایان رسید. با توجه به رشد و اعتلای جنبش کارگری، عوامل و کارگران سرمایه‌داران از تشکل‌های ضد کارگری دولتی، صحه‌نگردان این نمایش بودند، تا چنین وانمود کنند که گویا برای دفاع از منافع کارگران، این بار زیر بار پیشنهادهای نمایندگان سرمایه‌داران و دولت نمی‌روند و خواستار افزایش ۲۹ درصد حداقل دستمزد و افزایش ۱۶ درصد به سایر سطوح دستمزد هستند. اما اگر همین پیشنهاد آن‌ها نیز عملی می‌شد، هیچ مشکلی را از میلیون‌ها کارگری که زیر خط فقر به سر می‌برند، حل نمی‌کرد. چرا که حداقل دستمزد کنونی ۹۳۰ هزار تومان، یک‌پنجم آن مبلغی است که به عنوان خط فقر تعیین شده است.....

گرچه پیشاپیش روشن بود، که سیاست شورای عالی کار، نه اتخاذ تصمیمی در مورد دستمزد، برای بهبود وضعیت معیشتی کارگران، بلکه دفاع از منافع سرمایه‌داران برای کسب سود بیشتر است، اکنون اما با اعلام رسمی افزایش اسمی دستمزد، آشکار است که روال کار گذشته شورای عالی کار همچنان ادامه یافته و حداقل دستمزد از ۹۳۰ هزار تومان کنونی به یک میلیون و ۱۱۴ هزار تومان افزایش یافته است. افزایش دیگر سطوح دستمزد نیز که در گزارش‌های پیشین ۱۲ درصد اعلام شده بود، به فروردین ماه موکول شد. این افزایش ناچیز دستمزد اسمی کارگران، نه فقط حتی یک مشکل کوچک معیشتی کارگران را حل نخواهد کرد، بلکه با توجه به وخامت اوضاع اقتصادی و مالی رژیم که از هم اکنون یکی از شواهد آن را در افزایش افسارگسیخته بهای دلار و توأم با آن کاهش ارزش پول کشور و در نتیجه، افزایش روزافزون بهای کالاها و خدمات مورد نیاز روزمره کارگران و زحمتکشان شاهد هستیم، این به‌اصطلاح افزایش ۹/۱۸ درصدی دستمزد در سال ۹۷ حتی جبران افزایش بهای کالاها و هزینه‌های زندگی کارگران را نخواهد کرد. بنابراین، نه تنها بهبودی در وضعیت معیشتی کارگران رخ نخواهد داد، بلکه آن‌ها به روال سال‌های گذشته فقیرتر می‌شوند.....

اکنون با توجه به بحران سیاسی که رژیم ارتجاعی ضد کارگری گرفتار آن است، زمان آن فرا رسیده است که کارگران به مبارزه‌ی سراسری برای تحقق مطالبات خود روی آورند. مسئله افزایش دستمزد به بالای خط فقر، آن مطالبه‌ای است که می‌تواند به مشارکت عموم کارگران در این مبارزه سرا سری بیانجامد.

اقتصاد ایران در سالی که گذشت

برای ارتباط با **سازمان فدائیان (اقلیت)** نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri
Postfach 410
4410 Liestal
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.
شماره حساب:

Gironummer 2492097

نام صاحب حساب: Stichting ICDR

IBAN:
NL08INGB0002492097
BIC: INGBNL2A
Amsterdam, Holland

نشانی ما بر روی اینترنت:

<http://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

info@fadaian-minority.org

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

http://T.me/fadaian_aghaliyat

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat>

آدرس سازمان در تویتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

[kar.fadaianaghaliyat](https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat)

ای میل تماس با نشریه کار:

kar@fadaian-minority.org

KAR Organization
Of Fadaian (Aghaliyat)
No 767 March 2018

دی‌ماه است) بیش از ۳۰ میلیارد دلار از کشور خارج شده است. در یک کلام چشم‌انداز اقتصاد در سال ۹۷ در صورت تداوم حکومت اسلامی و مناسبات سرمایه‌داری حتی بسیار بدتر از سال ۹۶ خواهد بود و بر بسیار بدتر شدن وضعیت اقتصادی تاکید داریم.

اما بهرغم این واقعیت‌های اقتصادی که به عینه برای کارگران و زحمتکشان آشکار است و در زندگی خود، با تمام وجود، با پوست و گوشت و استخوان خود لمس می‌کنند، دولت جمهوری اسلامی و در راس آن کابینه‌ی روحانی همواره مدعی رشد اقتصادی بوده و حتی خامنه‌ای در ایام نوروز با وقاحت و بیش‌رمی تمام از کاهش فقر، گسترش عدالت اقتصادی و پیشرفت اقتصادی سخن گفت.

سخنان و ادعاهای آن‌ها در نزد کارگران و زحمتکشان آن چنان رسوا و بی‌ارزش است که اساساً ارزش پاسخ گفتن ندارند، اما برای آن‌که ابعاد وخامت اوضاع اقتصادی، چشم‌انداز و راحل خروج از این وضعیت برای کارگران و زحمتکشان روشن‌تر شود، ما ابتدا نگاهی خواهیم داشت به مهم‌ترین شاخص‌های اقتصادی.

در صفحه ۸

همان‌طور که در ابتدای سال گذشته و در مقالات معتد نشریه کار پیش‌بینی کرده بودیم بحران اقتصادی رکود - تورمی و همراه با آن فقر، بیکاری و شکاف طبقاتی در سال ۹۶ افزایش یافت. دلیل آن نیز همان مواردی است که همواره بر آن تاکید کرده‌ایم و گذر زمان تحلیل‌ها و دلایل ما را به اثبات رساند. طبقه سرمایه‌دار ایران که قدرت سیاسی را در دست دارد، قادر به اتخاذ سیاست‌هایی نیست که لااقل به تعدیل بحران اقتصادی منجر شود. از سویی برنامه‌های اقتصادی "نئولیبرالیستی" طبقه حاکم بر دامنه‌ی بحران افزوده و از سوی دیگر ساختار قدرت سیاسی در ایران خود به عنوان عاملی در تشدید بیشتر بحران اقتصادی عمل می‌کند. عامل دیگری نیز که در سال آینده (بیش از گذشته) تأثیرگذار خواهد بود و باید به عوامل پیش گفته افزوده شود، بحران سیاسی خارجی و داخلی از جمله ترس سرمایه‌داران از سرنگونی رژیم است که به فروپاشی سیستم حاکم دامن زده و به خروج سرمایه‌های سرمایه‌داران به خارج از کشور منجر خواهد شد، به گفته‌ی پورا براهیمی رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس، در ماه‌های پایانی سال (در واقع منظور وی بعد از اعتراضات توده‌ای



تلویزیون دکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسان‌های زحمتکش، شریف و ستم دیده‌ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می‌کنند

بدینوسیله به اطلاع علاقمندان تلویزیون دمکراسی شورایی می‌رسانیم که:

برنامه‌های تلویزیون دمکراسی شورایی روی شبکه ۲۴ ساعته تلویزیون "دیدگاه" از اول ژوئن ۲۰۱۷ برابر با ۱۱ خرداد ۱۳۹۶ به جای ماهواره هانتبرد مجدداً از ماهواره پیامت پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره:

ماهواره یاه سات Satellite Yahsat

فرکانس ۱۱۷۶۶ Frequency

عمودی Polarization Vertical

سیمبل ریت ۲۷۵۰۰ Symbol rate

اف ای سی ۵/۶ FEC

ساعت پخش برنامه‌های تلویزیون دمکراسی شورایی:

چهارشنبه‌ها ساعت نه و نیم شب به وقت ایران

(ساعت ده صبح به وقت لس آنجلس و هفت عصر به وقت اروپای مرکزی)

بازپخش این برنامه: روز پنجشنبه نه و نیم صبح به وقت ایران

(ده شب پنجشنبه به وقت لس آنجلس و هفت صبح پنجشنبه به وقت اروپای مرکزی)

اینترنت:

در صورت عدم دسترسی به تلویزیون ماهواره ای، می‌توانید از طریق اینترنت نیز برنامه‌های تلویزیون دمکراسی شورایی را مشاهده کنید.

۱- بطور زنده در ساعات ذکر شده، در سایت تلویزیون دیدگاه و شبکه رسانه ای "جی. ال. ویز"

www.didgah.tv

www.glwiz.com

۲- به صورت آرشیو، در سایت سازمان فدائیان - اقلیت:

<http://www.fadaian-aghaliyat.org/>

<https://tvshora.com/>

ساعت و زمان برنامه را به خاطر بسپارید و به اطلاع دوستان و آشنایان خود برسانید.

توجه: بینندگان عزیز تلویزیون دمکراسی شورایی جهت اطلاع؛ سالی دو بار - در پائیز و بهار - بطور ناهم‌زمان در ایران، اروپا و امریکای شمالی ساعات تغییر می‌کنند که البته هر بار پس از چند هفته، ساعات این سه منطقه یکسان می‌شوند.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی